



UNIVERSITY TOWN, PESHAWAR P. O. BOX: 1073

۴ صفحه : ۲ روپیه پاکستانی / ۲۰۰ افغانی

با اقدام سریع قوای امنیتی شهرستان قم ،

سید فاضل و سید عالمی بلخی با سرو صورت زخمی و خونین از چنگ جمعیت خشمگین مهاجرین نجات داده شدند

* هنگامیکه صحبت های سیدفاضل به غرب کابل کشانیده شد، جمعیت با فریادهای تکبیر و «دورد بر مزاری بزرگ»، «مرگ بر خاینین ملی»، از ادامه سخنرانی سید فاضل جلوگیری بعمل آوردند.

* همه مهاجرین حاضر در جلسه بطرف جایگاه سید فاضل و سید عالمی یورش برده و با کفش و سایر وسایل دست داشته به لت و کوب آنها پرداختند.

* مسئولین امنیتی جمهوری اسلامی ایران در حدود هشتاد نفر از مهاجرین بیگناه مانرا به اتهام دست داشتن در قضیه زندانی نموده و سپس به یکی از اردوگاه های سرحدی انتقال داده اند.

بر اساس گزارش های رسیده از شهر مقدس قم: جمعه گذشته جلسه سخنرانی با شرکت مهاجرین افغانستانی مقیم آن شهر برگزار گردیده و قرار بود طی آن سید حسین عالمی بلخی و سید ابوالحسن فاضل از جمله رهبران شبکه «تشیع دربار»، پیرامون تحولات پیش آمده در سطح کشور و بخصوص غرب کابل، سخنانی ایراد نمایند. گزارش می افزاید: هنگامیکه صحبت های سیدفاضل به غرب کابل کشانیده شد، جمعیت با فریادهای تکبیر و «دورد بر مزاری بزرگ»، «مرگ بر خاینین ملی»، از ادامه سخنرانی سید فاضل جلوگیری بعمل آوردند.

تهاجم شدید نیروهای فاشیزم کابل در استقامت جبهات شیخ علی به شکست انجامید.

خبرنگار «صفحه نو» از ولایت بامیان گزارش میدهد که شب دوشنبه ۱۶/۱۱/۷۴ تهاجم سنگین نیروهای فاشیزم در استقامت جبهات شیخ علی علیه نیروهای جبهه مردمی حزب وحدت اسلامی برآه انداخته شده و نیروهای فاشیستی با تمامی قوا سعی بعمل آوردند تا در خطوط دفاعی حزب وحدت اسلامی رخنه ای ایجاد نمایند. خبرنگار ما می افزاید که این تلاش دشمن با مقاومت شدید نیروهای حماسه آفرین جبهات مردمی حزب وحدت اسلامی به شکست مواجه گردیده و اجیران فاشیست وادار به عقب نشینی گردیدند.

استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی در دیدار با مردم دره خوشک:

خدا را سپاس گذارم که بار دیگر قدرت، حیثیت و عزت مردم ما اعاده شده و با سر بلندی در دنیا مطرح گردیده اند

جلال آباد پیا دسولی د خبر مضمون شر

به گزارش خبر نگار «صفحه نو» از بامیان، محترم استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی روز پنجشنبه گذشته اهالی دره خوشک را غرض ملاقات به حضور پذیرفتند. ۳ ص

بنام خداوند آگاهی، آزادی و برابری

خود کامگی مطلق،

عامل عمده فاجعه جاری در کشور

نو ظهور بسوی نابودی محتوم سوق داده شد. آتش جنگ همه زمینه های کار سالم تولیدی، اداری، تجارتي و خدمات اجتماعی را فرو بلعیده و هیولای گرسنگی و فقر پاگذشت هر روز چنگال های مخوف مرگ آفرین اش را مخصوصاً برای ساکنین پایتخت بیشتر از بیش آشکار میسازد، تجربه سه ساله بخونی هویدا میسازد که هر سالی و ماهی و روزی که از عمر این دولت نام نهاد میگذرد در مقایسه با سال و ماه و روز قبل نه تنها قلمرو حاکمیتش محدود تر میگردد بلکه همزمان با آن خرابی کشور و رشد فاجعه انسانی در يك تابع خطی مسیر صعودی خویش را کماکان می پیماید. چاپ و نشر خارج از پلان بانکوت های بدون پشتوانه و نتیجتاً کاهش سرسام آور ارزش افغانی در برابر اسعار خارجی یکی از عمده زمینه هایست که با گذشت هر روز ریشه زندگی مردم کشور و بخصوص آنده از ساکنین نفرین شده کابل را می خشکاند که نداشتن کرایه راه پاهای شانرا بر مخروبه های بی در و پنجره گلین زنجیر زده است که هر آن با چشمان حیرت زده و مایوس مرگ سیاه تدریجی کودکان شانرا نظاره میکنند.

استیلای حاکمیت های خود کامه بر جوامع انسانی در فقدان کامل چهار چوب مشخص کردن صلاحیت و مواجه شدن جامعه های انسانی با چنین نظام های خود کامه که احساس مسؤولت در قبال میهن و مردم را توهین به صلاحیت خدا دادی خویش میدانند جز ایجاد فاجعه و تراژیدی انسانی قطعاً محصول دیگری را تحویل جامعه خویش نکرده است.

وقتی هیتلر بعنوان زایش محتوم نظام فاشیستی بر مقام پیشوایی ملت آلمان پاشنه می ساید و با شکست تمامی مرزهای محدود کردن صلاحیت، سیاست و قوای مسلح را در اختیار میگیرد، واضح است که برابند چنین نظام جز نابودی ملت و تمدن آلمان در همه ابعاد و گرفتن زندگی لا اقل از بیست میلیون انسان (تنها در شوروی سابق) نمیتواند ارمغان دیگری برای بشریت داشته باشد.

مردم و احساس مسؤولیت در قبال سرنوشت آنها تنها در فرهنگ نظام های مردمی است که معیار عملکرد قرار گرفته و دولت خویش را مکلف به دفاع از جان، مال، حیثیت و نوامیس اتباع کشور خویش میدانند.

پیروزی انقلاب اسلامی در کشور که متأسفانه همزمان با استیلای اختاپوت فاشیزم نو ظهور پنجشیر برهم قدرت سیاسی و نظامی بود یکبار دیگر حدود صلاحیت و معیارهای شایستگی برای احراز آنرا، برج و بارو درهم شکست، کشور زخمی و خونین که تازه از جنگ چهارده ساله بنیاد برانداز، سرخ رو و مؤفق بیرون آمده بود در فضای قوماندان بازی های سبکسازانه «بعنوان نظام حاکم» سوگمندانه ژنو سیدهای اتنیکی بخش از ساکنین اش را به نظاره نشست، کشور در چنگال فاشیزم

طبق گزارش رسانه های گروهی در پاکستان؛ طی چهارده روز بسته شدن راه های مواصلاتی بکابل، ارزش افغانی در پایتخت مخصوصاً در مقابل دالر امریکایی از يك دالر در برابر ۶۲۰۰ افغانی به يك دالر در برابر ۹۲۰۰ افغانی کاهش اختیار نموده است که این امر به وضاحت نشان دهنده بلند رفتن نرخ مواد ارتزاقی و محروقاتی در پایتخت است که بدون استشنا همه از خارج وارد میگردد. اگر همه این نابسامانی ها «به استثنای چاپ بانکوت ها را» به عهده ۴ ص

خبرنگار «صفحه نو» در مصاحبه با مهاجرین تازه وارد:

کابل امروز یا بستر زایش فاجعه

- * پایتخت نشینان اکنون به گداهای ژولیده تبدیل شده اند که تا قدم بر میداری پنج گدا با ده دست نیازمند و ده چشم التماس کننده در مقابلت سیر میشوند.
- * سلاح به دستان دولت اسلامی آقای ربانی از فقر فزاینده و غیر قابل تحمل در پایتخت استفاده نموده و زنان و دختران جوان را با تطمیع پولی به فحشا میکشانند.
- * پدری که نتوانسته بود مرگ فرزندان و خامش را در گرسنگی نظاره کند با کارد خود کشی نمود.

خبرنگار «صفحه نو» بنقل از مهاجرینی که اخیراً وارد جلال آباد مرکز ولایت ننگرهار گردیده اند گزارش میدهد که بلند رفتن نرخ مواد غذایی و محروقاتی در شهر، عدم موجودیت زمینه کارسالم فزیک و دماغی در پایتخت و سطح ثابت معاش کارمندان دولتی همه دست بدست هم داده و آنقدر تعداد گداهای را در این شهر افزایش داده است که برای انسان تازه وارد در پایتخت واقعاً وحشت ایجاد مینماید. علی جمعه یکتا از دکانداران دشت برچی ضمن صحبت های خویش در رابطه با اوضاع اقتصادی کابل گفت «شاید مبالغه نباشد اگر بگویم که از هر ده نفر باشند پایتخت لاقلا یک نفر آن پیشه گدایی اختیار نموده و با گردن نهادن به این ذلت تقلا می نماید تا چند روز دیگر جان اطفال بی رمق اش را در ۳ ص

ترخوچی و سلی پولی نشی او ملی وحدت تأمین نشی جنگونه به روان وی



* به هیواد کی خارجی مداخلی ته زمونر رهبرانو زمینه برابره کری ده نوکر جنرال علم شاه مومند د کویتی د مشورتی جرگی غری د صفحه نو د اختصاصی خبریال سره په مرکه کی وویل په افغانستان کی هغه وخت یو ملی او مرکزی حکومت جوړیدی شی چی پولی تنظیمی اردوکانی او سیاسی تشکیلات منحل شی او د ملگرو ملتونو په منځگوتوب سره پولی ملی ملیتونه او قومونه په یوه سنترالیزم راټول شی. ۳ ص

هزاران تن از شهریان کابل به تظاهرات وسیع علیه حکومت دست زدند

* با شلیک محافظین قصر ریاست جمهوری بر جمعیت تظاهر کننده گان سه نفر کشته و یکتعداد دیگر زخمی گردیدند. ۴ ص

تظاهرات کابل

بارقهء امید در شبستان سرد و ساکت و سیاه

* سه سال گروگان بودن نامرد ترین انسانها و به «بوجی بلنداز» تبدیل شدن، نوشیدن جبری شوکرانی بود که عمق تلخی آن فقط برای ساکنین زخمی، گرسنه و بی پناه کابل محسوس بوده است!

* دیری نخواهد پاید که این بارقه سرخ رنگ، بطن کابل قهرمان را آبستن طوفان خشمگین و بنیاد بر اندازی خواهد ساخت که در انفجار آن هیچ مستبد خودکامهء فاشیست را مجال رهایی از آن میسر نیست.

اگر در تاریخ پر فراز و نشیب کشور مان سالهای نه چندان دور به عقب برگردیم به وضاحت مشاهده میکنیم که قیام سرتاسری در مقابل ارتش اشغالگر روس قبل از آنکه به عنوان يك تشکل نضج گرفته، سیاسی تحت قیادت و رهبری مشخص این یا آن رهبر تنظیم و یا سازمان سیاسی صورت پذیرفته باشد، به مشابه حرکت های خود جوش مردمی که حساسیت های ملی و مذهبی عنصر زیر بنایی آن را تشکیل میداد پا به عرصه وجود گذاشت. این حرکت های خود جوش مردمی در مراحل خاص تشکل خویش بستر مساعد برای نطفه گذاری و رشد احزاب و تنظیم های جهادی گردید که هر کدام کتله های معینی از مردم را با الهام از جهان بینی های مختلف در نیل به هدف واحد جهت بخشیدند. این حرکت ها که بصورت عمده در موازات هم صورت میپذیرفت گاه گاهی اختلاف در دیدگاه ها، اصطکاک و حتی تنش های را که اکثراً برخورد های نظامی را نیز در قبال داشت، باعث میگردد. در اتکا به این واقعیت به جرأت میتوان گفت که بعضی از تنظیم ها در مقطع های مشخصی از زمان نه تنها حرکت انقلابی توده ها را تسریع نکردند بلکه خود نیز به عامل بازدارنده طیف وسیعی از مردم در مسیر حرکت انقلابی شان گردیدند.

رشد کیش شخصیت در جهت عقده گشایی نیز به عنوان غدهء سرطانی بی دامن بسا از تنظیم های جهادی را فرا گرفت که موجودیت عقده های تاریخی ناشی از محرومیت، عدم شایستگی و فقدان کفایت دید لازم برای رهبر شدن، همه و همه عناصر اولیه بودند که دست به دست هم داده و بستر رشد و ویروس های این تومور خبیثه را در درون تنظیم ها مساعد ساختند. طوریکه تذکر رفت موج توفنده، احساسات پاک مردم بخاطر بیرون کشیدن قوای متجاوز اشغالگر، مساعد ترین بستری بود که هر کسی در هر بعد شخصیتی میتوانست با اندک تحریک روی این موج قرار گرفته و نام و نانی برای خویش دست و پانماید.

رشد شخصیت های چون استاد ربانی و آمر مسعود در تنظیم جمعیت اسلامی نه بدان مفهوم است که شایستگی این آقایان در قحط الرجالی مطلق بین جمعیت اسلامی! معیار تفویض مقام و صلاحیت برای آنها بوده است، بل سؤ استفاده از اعتماد صادقانه اعضای جمعیت اسلامی عنصر اساسی را برای رشد این جراثیم در درون تنظیم جمعیت اسلامی تشکیل داده است.

در اتکا بر اساس فوق میتوان اذعان نمود؛ همانطوریکه اعتماد صادقانه مردم عامل اساسی وزیربانی در جهت دست یازیدن آقایان به مقامات عالییه امروزین است، سلب اعتماد مردم و احتجاج علیه حاکمیت آنها نیز میتواند تنها عامل تعیین کننده در خلع صلاحیت و دور نمودن آنها از استوانهء قدرت سیاسی و نظامی در کشور باشد.

ما باور قاطع خویش را بدین گفته پیشوایان بزرگوار دین مقدس اسلام گره میندیم که «خشم خلق نمونه ای از خشم خداوند قهار است» و هرگاه این خشم به توفیق بیباغازد هیچ مستبد خودکامه ای را یاری مقاومت در برابر آن نخواهد بود.

گرچه سه سال صبر برای قربانیان خاموش و بی پناه يك شهر که چشم های اشک گرفته و حنجره های بغض آلود شان جز خدا در آسمان مخاطب دیگری برای بازگو کردن رنج و قصه های تلخ روزگار سراسر تباهی خویش نمی یافتند، مدت کوتاهی نبوده است، سه سال گروگان بودن نامرد ترین انسانها و به «بوجی بلنداز» تبدیل شدن، نوشیدن جبری شوکرانی بود که عمق تلخی آن فقط برای ساکنین زخمی، گرسنه و بی پناه کابل محسوس بوده است!

شورای مساجد در ولایت باستانی بامیان تشکیل شد

خبرنگار «صفحه نو» از بامیان گزارش میدهد که موسفیدان و معزین آن ولایت طی جلسهء مشترکی که با ستاد تبلیغی رهبر شهید در حسینیه سرخ قول تشکیل داده بودند، روی مشکلات و پرابلم های محیطی آن ساحه بحث و تبادل نظر به عمل آورده و به منظور هماهنگی و پیشبرد بهتر امورات یومیه، مردم فیصله نمودند تا شورای مساجد ولایت بامیان تشکیل گردد.

با تأیید از فیصله مذکور ریش سفیدان ولایت بامیان طی جلسهء جداگانه شورای مساجد ولایت بامیان را تشکیل و اعضای آنرا تعیین نمودند.

خیزش چند هزار نفری این مردم بصورت یکپارچه در اعتراض به خود کامگی و عدم کفایت دولت نام نهاد و هجوم آنها به کاخ ریاست جمهوری، بارقه امید بزرگ در شبستان سرد و ساکت و

معذرت خواهی،

ساده ترین عمل و عمده ترین اصل در سیاست های دولت کابل

از نخستین عملکرد قهرمانانه دولت در قبال ملتش! بیشتر از سه سال میگذرد. نخستین باری که پیشوای فاشیزم نو ظهور پنجشیر کمر همت بست تا به گفته پروکسور ربانی رئیس دولت اسلامی! از اولادهء جنگیز انتقام تاریخی پدرانش را «بعد از هفتصد سال» باز ستاند، در تحلیل های نظامی اش بر بی پناه ترین منطقهء محاصره شده، هزاره ها در قلب پایتخت، «چنداول» انگشت گذاشت و آنقدر بیرحمانه در جهت «زهر چشم نشان دادن به هزاره ها» این منطقه، کوچک را کوبید که از تمامی آبادی های محقر و گلین آن جز ویرانه و خاکستر هیچ چیزی برجا نماند، اما خلاف انتظار، انسان هزاره بر فراز خاکستر کلبه بریاد رفته اش به صلابت کوه آسمایی استوار ایستاد تا نگذارد پایهای نامردان فاشیست خاکستر مقدس کلبه اش را چه، که حتی گل و لای کوچده مردان را ملوث سازد. چنداول خاکستر گشت اما وزارت دفاع فاشیزم با تمامی امکانات نظامی دست داشته نتوانست قدم در منطقهء محاصره شده، بی پناه به وسعت کمتر از هشت کیلو متر مربع، در قلب پایتخت خویش بگذارد!

هیئت های صلح یکی به تعقیب دیگری راه «علوم اجتماعی» مرکز رهبری حزب وحدت اسلامی را پیش گرفتند، معذرت خواهی و اعتراف بر اشتباهات گذشته و پرداخت خسارهء مارکیت های تجارزتی و منازل به چنداولی های قهرمان اولین حرف عمدهء جانب دولت را در مذاکرات تشکیل میداد، از آنجائیکه اصل تفاهم، مذاکره و تحمل همدیگر رکن عمده را در سیاست گذاری حزب وحدت اسلامی بخاطر حل معضلهء کنونی کشور تشکیل میداد شورای تصمیم گیری حزب فیصله بعمل آورد تا با هیئت دولت نام نهاد مذاکره آغاز و همزمان با آن لست اموال تجارزتی مارکیت های حریق شده و خسارات وارده بر منازل یکمک هیئت مشترک ترتیب یابد. هنوز پروسهء مذاکره و آمارگیری خسارات وارده آغازین مراحل خویش را پشت سر می گذاشت که طرح پروژهء افشار یا خونبارترین فاجعهء تاریخ معاصر افغانستان روی میز های رهبریت امنیت دولتی پهن گردید. این پروژه مراحل تکوین و تکامل خویش را آنطوریکه فاشیستان و شبکهء تشیع دریاری خاین به منافع جامعهء هزاره و ملت افغانستان انتظار آنرا داشتند در بیست و دوم دلو ۱۳۷۱ بعنوان ننگین ترین عمل کرد يك دولت در قبال اتباعش ثبت تاریخ خونبار اجتماعی ملت ما گردید. وقتی بعنوان واکنش سریع، عنصر مقاومت در برابر فاشیزم در تمامی نقاط غرب کابل چون کوه های استوار به آراستن قامت پرداخت، باردیگر زمزمه های اعتذار و پوزش و اعتراف بر اشتباهات گذشته ورد زبان هیئت های صلح دولت گردید که اینبار تادیبه خسارات وارده بر افشار! اولین مادهء این تعذیرنامهء مستهجن را تشکیل میداد. دهن معاون شورای نظار با این کلمات تهوع آور تا بناگوش پس رفت که:

«آغا صاحب (اشاره به میر هاشم هاشمی رئیس امور سیاسی وزارت امنیت دولتی) شاهد است، من در شبی که پروژهء افشار در ریاست امنیت طرح میگردد گریستم و... ولی اینبار، داستان این معذرت خواهی تا پلان آغاز عملیات گستردهء دولت از لوی هفتاد جنرال مومن و لوی سه گارد از یکطرف و ریاست پنج امنیت دولتی از طرف دیگر بخاطر انهدام و بر چیدن مکمل تمامی تشکیلات نظامی و سیاسی حزب وحدت از غرب کابل، به درازا کشید. تجربهء تلخ رهبری حزب وحدت اسلامی از معذرت خواهی های گذشتهء فاشیستان باعث گردید تا پلان عملیات بزرگ! قبل از موعد معینه در نطفه خنثی و تمامی نقاط غرب کابل از لوٹ وجود نیروهای شرارت پیشه، دولت ضد مردمی پاکسازی گردد. متعاقب این تاریخ، مذاکرات معذرت خواهی دولت از سر گرفته شده و تا انتقال شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی از بامیان با

سیاه میتواند بحساب آید، هر چند این بارقه رنگ سرخ داشت و به بهای خاموش شدن نبض زندگی در قلب سه هموطن رنج کشیده، مظلوم و گرسنهء مان توسط دژخیمان نامرد ارگ ریاست جمهوری انجماید اما قانونفندی لایتغیر الهی در شریان زمان جاریست: «ان الله لایغیر وما بقوم حتی یغیرو ما یا انفسهیم». به تحقیق خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمیدهد تا آنها در نفس خویش تغییر ایجاد نکنند. و اکنون هموطنان قهرمان و حماسه آفرین کابل مان در تابعیت از این قانونفندی الهی طلسم سکوت را در شهر شب گرفتهء خویش شکسته اند، ایمان داریم؛ دیری نخواهد پاید که این بارقه سرخ رنگ، بطن کابل قهرمان را آبستن طوفان خشمگین و بنیاد بر اندازی خواهد ساخت که در انفجار آن هیچ مستبد خودکامهء فاشیست را مجال رهایی از آن میسر نیست. ما به این سنت الهی عقیدهء راسخ و خدشه ناپذیر داشته و پیروزی محتوم و زودرس مردم خویش را در افق های روشن این قانونفندی به انتظار ایستاده ایم.

تأدیبه، کمتر از ۲۰ فیصد خسارات وارده بر منازل افشار، سرمایهگذاری امنیت دولتی وارد دومین دور اساسی خویش در درون شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی گردید تا با خریدن وجدان های که در درازنای حیات ننگین شان هر لحظه آمادهء حراج است، با خلع رهبری حزب، بتوانند مانند شاخهء محسنی قندهاری در درون حرکت اسلامی ستون مزدور دوم را در متن جامعهء هزاره استخدام کنند، که شکست این پلان فاشیزم در برابر حضور یکپارچهء مردم مان در صحنه، زیباترین خطوط طلایی تاریخ بیداری ملت مانرا نقش کرد.

ظهور پدیدهء طالبان در روند سیاسی کشور و نزدیک شدن آن به خطوط دفاعی جبهات مقاومت در غرب کابل و به محاصره کشیده شدن مطلق نظامی این خطهء حماسه آفرین تنها زمینهء انتقام وعقده کشایی فاشیزم هار پنجشیر بود که از دیر باز زمینهء تحقق این رویای طلایی را در خیال مجسم میکرد. با شکست جبههء مقاومت ضد فاشیستی غرب کابل در اثر خیانت جبران ناپذیر طالبان به آرمان عدالت خواهی يك ملت، مقاومت عادلانهء هزاره ها در غرب کابل، واپسین لحظات حیات خویش را بعنوان محصول خیانت به اعتماد صادقانهء يك ملت با خون رهبر خویش بر پیشانی طالب پاشید.

و بدین ترتیب چکمه های فاشیزم هار «تشنه بخون هزاره» در پیشاپیش شبکهء ضد مردمی «تشیع دربار» بر سرزمینی گذاشته شد که هر وجب آن با خون مدافع گرسنه و فقیر هزاره تقدیس گردیده بود. مقاومت عادلانهء غرب کابل بعنوان حماسهء يك فقیر گرسنه و عدالت خواه به تاریخ سپرده شد و عنصر مقاومت در برابر فاشیزم تشکل مجدد خویش را بعنوان رسالت و مسؤلیت آگاهانهء يك ملت در بامیان اساس نهاد، لشکر فاشیزم «تشنه بخون هزاره» تحت فرماندهی قوماندان «گدا» دژخیم لجام گسیختهء پنجشیر در هیأت سردار عبدالقدوس خان اعتماد الدوله راه بامیان را در جهت «کشیدن دمار از روزگار هزاره ها» پیش گرفت. بامیان یکبار دیر برسوگ فرزندان خویش نشست و سیدفاضل و سیدعالمی و محسنی و اکبری... ریش های مبارک جنباندند و بوجود آوردن این مرصده در بامیان را به پیشوای فاشیزم تهنیت گفتند.

حالآنکه آن دهل های میان خالی را مردم قهرمان هزاره جات با تصمیم وارادهء واحد خویش دریده اند و هاوان چی و سرنچی زخمی و خونین، دست ها دراز تر از پا به پایتخت پرتاب شده اند، یکبار دیگر گریه های عبدالرحمن خانی از فراموش خانهء امنیت بیرون آورده شده و هیئت های دولت یکی پی دیگر سرود اعتذار برلب و طومار ندامت از عملکرد های گذشتهء خویش در قبال ملت افغانستان، بر سینه راه بامیان در پیش گرفته و از گذشته ها عذر خواهی میکنند تا در فرصت آن طرح نو را بخاطر براندازی بنیاد زندگی مردم ما در هزاره جات در اندازند.

اعتذار رسمی دولت نام نهاد کابل از حکومت پاکستان بعد از افتضاح سیاسی که همه کاره های دولت مسخرهء کابل ارتکاب آنرا بر عهده گرفتند، شاید برای يك حاکمیت مردمی که حیثیت ملت و مردمش را تنها ملاک سیاست های خارجی اش میداند این عمل ذلیلانه در حقیقت امر ضربهء خرد کنندهء بر کمر حیثیت سیاسی آن تلقی میگردد، اما با شناختی که آحاد ملت افغانستان از عملکرد های سبک سرانهء این هیچ کاره های همه کاره دارند متیقن اند؛ به همان پیمانیه ایکه حمله بر سفارت خانهء يك کشور خارجی بدون کوچکترین احساس مسؤلیت در برابر شخصیت ملی يك کشور و کمترین دغدغهء خاطر از پیامدهای ناگوار محتوم آن، ساده می نماید، مسلم است که در این عذر خواهی رسمی و پرداخت خسارهء دولتمردان سبکسر کابل نه تنها خم به ابرو نمی آورند بلکه چه بساهم که از کشتن یک نفر دیپلمات خارجی و زخمی نمودن ۲۵ نفر کارمند سفارت يك کشور خارجی و چور و چپاول دارایی های آن کاملاً راضی بوده و احساس غرور نیز خواهند نمود، «چه مروراید را آب است» و دولت کابل از آن بید ها نیست که با این بادها پلرزند!!

آب

سهراب سپهری

آب را گل نکنیم :
 در فرودست انگار، کفتری می خورد آب.
 یا که در بیشه، دور، سیره ای پر می شوید.
 یا در آبادی، کوزه ای پر میگردد.

آب را گل نکنیم :
 شاید این آب روان، میرود پای سپیداری، تا
 فروشود

اندوه دلی.
 دست درویشی شاید، نان خشکیده فرو برده در آب.
 زن زیبایی آمد لب رود،
 آب را گل نکنیم :
 روی زیبا دو برابر شده است.
 چه گوارا این آب !
 چه زلال این رود !
 مردم بالا دست، چه صفایی دارند !
 چشمه هاشان جوشان، گاوهاشان شیر افشان باد !
 من ندیدم دهشان،
 بی گمان پای چپرهاشان جاپای خداست.
 ماهتاب آنجا، می کند روشن پهنای کلام.
 بی گمان در ده بالا دست، چینه ها کوتاه است.
 غنچه ای می شکند، اهل ده با خبرند.
 چه دهی باید باشد !
 کورچه باغش پر موسیقی باد !
 مردمان سر رود، آب را می فهمند.
 گل نکرندش، ما نیز
 آب را گل نکنیم :

برای شما انتخاب کرده ایم

پندروستم

زین درد من چگونه توانم سخن نگفت؟
 این زخم را چگونه توانم به دل نهفت؟
 سهراب من
 به کشته چنین با پدر میباش !
 بر بازوان تفته و بی تاب خود ببین
 مهر نشان من !
 ما هر دو از سلاله ی زالم و تیریمیم
 یک روح
 یک تنیم
 من رخس را چگونه بتازم بسوی تو؟
 تو
 تیر را
 چگونه رهائی بسوی من ؟
 دستان ما بخون هم آلوده چون شود !؟
 ... این درد می خورد تن و جان من ای
 پسر
 بنگر تو در کدام صف و
 سوی جبهه یی !؟

محمد حسن صانعی

تیر آخر

شعر
 تیر آخر است، اما
 نه بر غزال
 تیری ست روانه ی ظلمت،
 وقتی که نه
 سو سوی چراغی هست
 ونه ستاره یی بر آسمان.
 آی کماندار!
 پیکان آخرت
 به فسفری آلوده اش نما،
 شور شهاب
 نوید سحرگامان بیاد.

حقیقتی از نهج البلاغه

... و همانا من دانید که سزاوار نیست کسی که بر ناموس و خون و
 عنیبت و احکام و پیشوائی مسلمانان ولایت دارد بخیل باشد، چه، در آن حال
 در اموال مردمان، به شهوت افراط کند و به حرص مبالغه نماید و نباید
 نادان باشد تا به سبب نادانی خود، آنان را گمراه سازد؛ و نباید ستمگار باشد،
 تا مردمان را از روی ستم پویشانروز گرداند نیز نباید از روی حیف و ستم، از
 دستنی به تصرف دستن دیگر دهد تا گروهی را بی موجب بر گروه دیگر در
 انفاق و عطایا برتری نهد، نه در حکم رشوه گیرد، تا در حقوق مردم رود و
 بی توجه به حدودی که خدای معین فرموده است حکم دهد، نه سنت را ضایع
 گزارد و از آن رو امت را به هلاکت رساند. نهج البلاغه صفحه ۵۰۵ - ترجمه داکتر اسدالله مبشری

برگه ای از تاریخ :

« سرکار اعلیٰ، (عبدالرحمن) در قلع و قمع بنیاد هزاره های شیعه که اثری از ایشان در آن مجال و خلال جبال فاند و املاک
 ایشان در بین اقوام پشتون غلجایی و درانی تقسیم شد چنین تجویز فرموده اند که سپاه نظامی و الوسی از هر سمت و جانب
 مملکت، آنچنان در مناطق طوایف هزاره جمع شوند که نقری از آنها جان سلامت نبرد و رها نشود و کنیز و غلام از طوایف مذکور
 بدست هر نفری از اقوام افغانستان بوده باشد، اغوی آن طایفه، کفار هم ملتی است و قتل و تاراج آنها نیز لازم است که بطریق
 ملتی شود و در غزای ملتی دفع و قتل اشرار کفار موافق شرع شریف غرا بر هر نفری از مسلمان لازم است. »
 سراج التواریخ صفحه (۷۸۱)، نقل از صفحات ۲۱ و ۲۲ «نگاهی بدروز و امروز افغانستان» نوشته، طالب حسین قندهاری.

سورگمندان باید پذیرفت که واقعیت های موجود در بستر زمانی آنروز تا امروز (عبدالرحمن تا
 برهان الدین) مشعر بر آنست که متن کوچک فوق زیر بنای سیاسی صدسال حاکمیت در افغانستان را
 تشکیل داده است.

ترخوچی و سلی پولی نشی او ...

او که چیری ملی اردو وجود ونلری د حکومت جوړیدل هم
 امکان نلری. ده وویل موجوده حکومت چی په ملی بنسټونو
 منکی نه وی د یوه سهامی شرکت حیثیت لری حکومت د
 حاکمیت نوم دی په اوسنی وخت کی هر څوک مالک او بری ذمه
 دی د اجتماعی عدالت اخوت او افغانی تفاهم روحیه په دی
 شرکت کی د مینځه تللی ده.

حاکمانه نظام چلیپری او ملی وحدت د وسلو او پیسو په
 ځواکمنی کی منحصر کړی شوی دی.

ده زیاته کړه د ملی نظام د جوړښت د پاره د وسلی ټولول یو
 مهم ضرورت دی ځکه چی وسله د مکروب په معنی دی چیرته
 چی مکروب خپور شی هلته ناروغی راځی او مصیبتونه علاوه
 کپیری.

پکر جنرال علم شاه مومند د کم او ملی حکومت د جوړیدو
 مشکلاتو ته د اشاری په ترڅ کی وویل: زموږ د تنظیمی
 مشرانو په مینځ کی شل کلنه تریکنی، خصومت او جلا جلا
 سیاسی تشکیلاتی جوړښتونو اوسنی سیاسی بحران ایجاد
 کړی دی چی پخلا کیدل او افغانی تفاهم ته را ټولول نی زیات
 وخت غواړی.

ده وویل مونی اوس د خارجی مداخلی په تلک کی کلک نشیتی
 یو هره پله د یوی سرچینی څخه اکمالیپری ترڅو چی دغه پوځی
 او سیاسی اکمالات بند شوی نه وی جنگونه به همداسی جاری
 وی، د جنگونو په تاریخ کی ثابت شوی ده چی همیشه د
 سیاسی تفکر په عوض په نظامی پکر کی په غالب او مغلوب
 سره جنگونه پای ته رسیدلی دی، د افغانستان د اوسنی
 جغرافیوی موقعیت له مخی د پاکستان ایران، هند، روسی،
 تاجکستان او د امریکی د پاره د خپلو خپلو منافعو د پاره د
 مداخلی او مسابقی یو پکر گرځیدلی دی.

ده زیاته کړه د کابل حکومت دوام هم د هغی په لوژیستیکی
 اکمالاتو او جنگی مورال پوری اړه لری خو تجربو ښودلی ده
 چی د ملت د ارادی نه پرته د حکومت جوړول او د حکومت
 سمبالول مشکل کار دی. کومه طرحه چی د ملگرو ملتو په
 وساطت د کویتی په مشورتی جرگه کی جوړه شوی وه د ملی
 حکومت د جوړولو د پاره ښه نسخه وه خو عمل ورباندی ونشو
 خو زه یو ځلی بیا چلنج ورکوم چی د ملی وحدت د تأمین څخه

خدا را سپاسگذارم که بار دیگر...

سپس استاد خلیلی دبیر گل حزب
 وحدت اسلامی ضمن تشکر از تشریف
 آوری و احساسات پاک مردم خوشک
 افزودند: هدف حزب وحدت اسلامی
 تأمین آرامش مردم بوده و تلاش دارد
 که به هر نحو ممکن به مشکلات مردم
 خود رسیده گی لازم را بنماید. استاد
 خلیلی در اخیر صحبت شان ضمن
 تشریح اوضاع سیاسی کشور علاوه
 نمودند: خدارا سپاس گزارم که بار دیگر
 قدرت، حیثیت و عزت مردم ما اعاده
 شده و با سربلندی در دنیا مطرح
 گردیده اند. ملاقات با ارثه رهنمود
 های لازم استاد خلیلی برای نمایندگان
 اهالی دره خوشک پایان پذیرفت ●

ملاقات که با تلاوت آیاتی از کلام
 الله مجید آغاز یافت ابتدا یکی از
 بزرگان آن منطقه به نمایندگی از
 حاضرین ضمن تقدیم احساسات پاک و
 تمیبات نیک اهالی دره خوشک به دبیر
 گل حزب وحدت اسلامی علاوه نمودند
 که مردم دره خوشک از آمدن شورای
 مرکزی تحت قیادت استاد خلیلی به
 بامیان احساس آرامش و خوشحالی می
 نمایند وی ضمن تقدیر و تشکر از رسیده
 گی حزب وحدت اسلامی به مشکلات
 مردم آن ناحیه آمادگی اهالی دره
 خوشک را جهت تحقق آرمان های والای
 مردم ما تحت رهبری خردمندان، حزب
 وحدت اسلامی اظهار داشت.

کابل امروز یا بستر ...

ضرب کاره به زندگی خوش خاتمه داده
 است. بعد از وقوع پیوسته حادثه و
 دفن جلال معلم، چهار طفل او را یکی
 از خیر اندیشان محله بصورت موقت
 بخانه خود برده واعاشه آنها را
 تاملت نا معلوم به عهده گرفته است.
 حاجی سلطان مستری یکی از کارمندان
 ورکشاپهای وزارت زراعت مهاجری
 دیگری بود که خبرنگار ما پای صحبت
 ایشان نشست، موصوف بعد از تشریح
 مفصل فقر فزاینده در پایتخت در
 حالیکه نمیتوانست جلو احساساتش را
 بگیرد چشم های خسته اش را پرده از
 اشک پوشانیده و بعد از مکث کوتاهی
 علاوه کرد: سلاح بدوشان دولت ربانی
 با کمال دناوت و پستی از فقر فزاینده و
 غیر قابل تحمل درپایتخت استفاده
 کرده و زنان و دختران جوان را با
 تطبیع پولی به فحشا میکشانند ●

جدال میان مرگ و زندگی نیروی زنده
 ماندن بیخشد. پروین احمدزی نرس
 قابله در یکی از شفاخانه های کابل،
 که در میان مهاجرین تازه وارد دست
 های دو طفلش را مادرانه محکم گرفته
 بود تا اطفالش را در محیط پر
 سروصدای جلال آباد گم نکنند در رابطه
 به صحبت های فوق افزودند: پایتخت
 نشینان اکنون به گداهای ژولیده تبدیل
 شده که تا قدم بر میداری در مقابلت
 پنج گدا باده دست سبز میشود وقتی
 انسان به چشم های آنان نگاه میکند
 آنقدر حکایت تلخ زندگی آنها را بیان
 میدارد که انسان خجالت میکشد که
 کمک نکرده بگذرد. در حالیکه خود
 یکمک محتاج است او علاوه کرد که در
 وزیر آباد شخصی بنام جلال معلم که
 نتوانسته بود حالت احتضار ناشی از
 گرسنگی اطفالش را مشاهده کند با

حاجی عبدالقدوس محتشم در گفتگویی اختصاصی با خبرنگار صفحه نو:

ربانی آگاهانه میخواهد از حاکمیت اسلامی تصویری آرایه کند که هیچ انسانی در هیچ نقطه از زمین ارزو نکند تا در کشورش نامی از اسلام و نظام اسلامی برده شود

میکند و در تاجیکستان منطبقاً بر آنست که میگویم تمامی عملکردهای ضد انسانی و اسلامی آقای ربانی آگاهانه و فقط بخاطر این است که از حاکمیت اسلامی تصویری را آرایه کند که هیچ انسانی در هیچ نقطه از زمین ارزو نکند تا در کشورش نامی از اسلام و اسلامیت و نظام اسلامی برده شود.

حاجی عبدالقدوس محتشم یکتا از تجاران سرشناس کابل که اخیراً از کشورهای اروپایی جهت اجرای امور تجارتي به پشاور آمده است طی مصاحبه اختصاصی با خبرنگار «صفحه نو» تبلیغات گسترده جهان غرب را بخاطر اسلام زدایی که همین اکنون شدت جریان دارد تشریح نموده و افزودند که بازار این تبلیغات با کارنامه های دولت رسوای کابل طی سه سال اخیر از رونق خاصی برخوردار بوده است، فقدان موجودیت یک نظام متمرکز قوی در کشور باعث گردیده تا حکومت های خود کامه محلی در مقیاس ولایات، ولسوالی ها و قریه جات بوجود بیاید که هر کدام در حیطة صلاحیت خویش به یکی زندگی می بخشند و از ده نفر دیگر زندگی میگیرند. راپورهای تصویری تکان دهنده از وضعیت جاری در کشور که همه بنام حاکمیت یک نظام اسلامی روی پرده های تلویزیون های غرب گاه گاهی ظاهر میشوند، آنقدر وحشتناک و غیر قابل تحمل است که من بعنوان یک فرد مسلمان افغانی واقعاً احساس خجالت مینمایم. وی در قسمت دیگری از صحبتش علاوه نمود: محال است آقای ربانی درک نکند که باید کشیدن القاب رئیس جمهور دولت اسلامی چه اقتضای را برای اسلام و کشورش ببار آورده است. ما مطمئن هستیم که او آنقدر هم خالی از خرد سیاسی نیست که نداند عملکرد های ضد انسانی او بخاطر حفظ قدرت انحصاری در محدوده یک ولسوالی جز نابودی کشور در همه ابعاد و کوبیدن اسلام و حاکمیت اسلامی در باور جهانیان قطعاً شمر نمیخواهد بود و سرانجام نابودی ذلیلانه محتوم را به عنوان فرجام سرنوشت یک قاتل ملت نصیب خواهد شد. ما ایمان داریم که همه این مسایل را بهتر از هر کسی دیگر خود آقای ربانی احساس

اولین محموله؛ هوایی کمک های صلیب سرخ جهانی وارد کابل گردید

* عمل کمک رسانی صلیب سرخ جهانی در حالی صورت میگیرد که شدت تنش در خطوط مقدم جبهه بین طالبان و دولت رویه افزایش است.

* با موجودیت حاکمیت فاشیسم در کابل، زمستان جاری نه بستر اولین فاجعه انسانی در کشور و نه آخرین آن خواهد بود.

طبق گزارش رسانه های خبری بین المللی اولین محموله هوایی کمک های صلیب سرخ جهانی توسط یک فروند طیاره هوایی کابل بزمین نشست. محموله این طیاره را مواد خوراکی و محروقاتی جهت کمک به قحطی زدگان کابل تشکیل میدهد. قابل تذکر است که از بسته شدن شاهراه ترانسپورتی جلال آباد بعنوان تنها راه اکمالاتی مواد اولیه مورد ضرورت پایتخت سه هفته میگذرد. ظرف این سه هفته نرخ مواد ارتزاقی و محروقاتی در پایتخت به شدت بلند رفته و قحطی زود رس و فراگیر ساکنین پایتخت را تهدید میکند. گزارش می افزاید که مجموع کمک های پلان شده صلیب سرخ جهانی برای کابل توسط پنجاه پرواز ظرف سه هفته آینده به این شهر انتقال خواهد یافت عمل کمک رسانی صلیب سرخ جهانی در حالی صورت میگیرد که شدت تنش در خطوط مقدم جبهه بین طالبان از یکسو و دولت کابل از سوی دیگر رویه افزایش بوده و دولت کابل اعلان نموده است که طالبان در آینده نزدیک طرح حمله بکابل را دارند.

ناظرین سیاسی عقیده دارند که گرچه این کمک انساندوستانه سازمان صلیب سرخ جهانی بصورت مؤقت و در محدوده زمان کوتاه شاید بتواند حیات ۱۰ در صد از ساکنین کابل را نجات دهد اما واقعیت اینست که فاشیسم کابل بعنوان عامل اصلی و زیربنای تمامی بدبختی ها در کابل تازمانی که اصرار بر حفظ قدرت داشته باشد زمستان جاری کابل نه بستر اولین فاجعه انسانی در کشور و نه آخرین آن خواهد بود. سه سال تجربه تلخ بخوبی نشان داد که موجودیت فاجعه در کشور و بخصوص پایتخت ارتباط مستقیم به حیات فاشیسم در کابل دارد.

د پنخوس او سلو افغانیو نوپونه په راگره ورکړه کی د چلند څخه لویدلی دی

د کابل د ښار په زیاتره راگره ورکړه کی دسلو او پنخوسو افغانیو نوپونه د چلند څخه لویدلی دی او دغه خطر نی کرار کرار زړگونو نوپونو ته هم متوجه کړی دی. دکابل ته د راغلو عینی شاهدانو د ویناله مخی داوخت چی د خوراکی او استهلاکی شیانو بیی په تیرو دوه میاشتوکی سل چنده لوپی شوی دی دپولونه ارزانه هگی ده چی یوه دانه بی په ۹۵۰ افغانی پلورل کیږی. رارسیدلی رپوتونه وانی چی اوس په کابل کی ډیر کم داسی شیان پاتی دی چی بیه نی د زرو افغانیو څخه پتیه وی. د مثال په توگه یو لیتر تیل په څلور زره او یو کیلو لرگی په دولس سوه افغانیو پلورل کیږی ځکه نو د سل گون او پنخوسی استعمال ضرورت د منځه تللی دی او خبره ورو ورو دی ته نیژدی کیږی چی زړگون نوپونه هم د پنخوسی حیثیت ته ورسپیږی او خپل حقوتی شخصیت دلاسه ورکړی. لس گون او شل گون خو ټپک هغه وخت دکابل دښارنه والوتل او ناچل کړی شول په کومه ورځ چی پنځه زریر اولس زریز نوپونه راووتل. داسی گونگوسی هم شته دی که چیری همدا حکومت او همدا اقتصادی بحران وی د پنخوس زریز نوپونو د چاپولو اقدام هم نشی منتفی کیدلی.

محترم استاد خلیلی ستاد تبلیغی رهبر شهید را غرض ملاقات بحضور پذیرفتند

به گزارش خبرنگار «صفحه نو» از بامیان روز پنجشنبه گذشته استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی اعضای ستاد تبلیغی رهبر شهید را غرض ملاقات بحضور پذیرفتند. گزارش می افزاید که در این ملاقات ابتدا حجت الاسلام و المسلمین آقای صدق سزول ستاد تبلیغی رهبر شهید، محترم استاد خلیلی را بصورت مفصل در جریان فعالیت های این ستاد قرار داده افزودند که اعضای این ستاد بر اساس رسالت ملی و مذهبی خویش در راستای تحقق آرمانهای والای مردم زجر کشیده ما به یکاوتنگ آمده و در تداوم خط رهبر شهید دوشادوش برادران نظامی الی فتح بامیان فعالیت داشته اند که اکنون بعد از فتح بامیان همچنان به ادامه فعالیت های فرهنگی در سطح هزاره جات مصروف اند.

کمیسیون رسیده گی به امور خانواده های شهدا

تشکیل شده و شروع به فعالیت نمود

به گزارش خبرنگار «صفحه نو» از بامیان کمیسیون رسیده گی به امور خانواده های شهدا اخیراً تحت ریاست استاد سعیدی عضو محترم شورای مرکزی تشکیل و به تاریخ ۷۴/۱۱/۲ رسماً به فعالیت آغاز نمود. خبرنگار صفحه نو از بامیان می افزاید که کمیسیون فوق با آمارگیری دقیق شهدای سال ۷۴ جنگ های تحمیلی بامیان به

جلال آباد بیا د سولی ...

ویل کیږی چی د استاد سیاف دمشری لاندی دولتی هیئت د پنځم حل د پاره بیا دسیاسی مصروفیت دپاره په جلال آباد کی لنگر اچولی دی او د مجللو میلمستیا گانو او دغورو روژه ماتو هنگامی تودی شوی دی. که څه هم داچندا او محتوا له نظره په جلال آباد کپنی د دولتی او مخالفینو تر منځ په مذاکروکی یو سانتی پرمختگ نه دی شوی خو د هیئت مشر او غړی نی مطبوعاتوته د بشپړی سولی د تأمین

او پرمختگ بیانونه جاری گوی.

دولتی او نور هغه هیئتونه چی د سولی او مذاکرو په نیت راځی اصولاً باید دپولونه مخکپنی د ننگرهار دجهدای شورا سره خپل سیاسی مقاصد وڅیړی او بیا د خپل پروگرام په عملی کولو اقدام وکړی. حاجی عبدالقدیر د مشرقی شورا د رئیس او د ننگرهار دولتی په حیث چی داوخت د سولی د هیئتونو کوربه دی پاکستانی اخبارونو سره په مرکه کی ویلی دی چی د جلال آباد مذاکرات ناکام دی خو دسولی دیو مضمون په حیث نی په تشو الفاظو او اخباری بیانونوکی سیاسی فضا توده کړی ده.

سیدفاضل و سید عالی بلخی ...

له این عمل عاقبت نا اندیشانه حامیان خاینین بریده از مردم، خشم و نفرت بیش از حد مهاجرین را سبب گردیده و همه مهاجرین حاضر در جلسه بطرف جایگاه سیدفاضل و سیدعالی یورش برده و با کفش و سایر وسایل دست داشته به لت و کوب آنها پرداختند. با بحرانی شدن حالت جلسه قوای امنیتی شهر مقدس قم که قبلاً در یک حالت کاملاً آماده باش در منطقه حاضر بودند، سریعاً داخل اقدام گردیده و آقایون را با سر و صورت شکسته و خونین از چنگ مهاجرین خشمگین رهانیدند. گزارش می افزاید که بعد از این حادثه مسئولین امنیتی جمهوری اسلامی ایران در حدود هشتاد نفر از مهاجرین بیگناه ماتوا به اتهام دست داشتن در قضیه زندانی نموده و سپس به یکی از اردوگاه های سرحدی انتقال داده اند.

ادعای سیاست بیطرفی مقامات جمهوری اسلامی ایران دانسته و از مسئولین رهبری جمهوری اسلامی ایران جداً خواستار پیگیری قضیه و رهایی هموطنان مهاجر ویی گناه خویش به اسرع وقت ممکن بوده و یکبار دیگر خاطر نشان میسازیم که حمایت جمهوری اسلامی ایران از یک باند مزدور و خاین به منافع ملت افغانستان غیر از کشاندن ایران به یک باتلاق سیاسی ناخواسته در مورد افغانستان قطعاً شمر دیگری را بیار نخواهد آورد.

این عمل مسئولین جمهوری اسلامی ایران بطور قطع تداعی کننده این باور در ذهن آحاد ملت افغانستان است که مسئولین جمهوری اسلامی ایران به منافع شبکه همتراد خویش بیشتر از هر چیز دیگر در افغانستان می اندیشند. ارجحیت دادن منافع این شبکه مزدور و خاین بر منافع ملت افغانستان امری است که صرفاً منطق سیاسی مسئولین جمهوری اسلامی میتواند توجیه کننده آن باشد.

هزاران تن از شهریان کابل ...

روزنامه خبری پشتوزبان وحدت چاپ پشاور در شماره ۳۴ هفته جاری خویش بنقل از شاهدان عینی خبر داد که، روز جمعه تظاهرات وسیعی با شرکت هزاران نفر از همشهریان کابل براه آفتیده و طی آن مظاهره چیان خواستار پابین آوردن نرخ ها و تهیه مواد محروقاتی و خوراکی از طرف دولت شدند. خبرنگار می افزاید هنگامی که جمعی چند هزار نفری مظاهره کننده راه پیمایی شانرا بسوی قصر ریاست جمهوری جهت دادند محافظین قصر

ریاست جمهوری بر جمعیت بی دفاع مظاهره کنندگان آتش گشود که در نتیجه آن سه نفر جا بجا کشته و عده دیگری مجروح گردیدند.

جمعیت مظاهره کننده بعد از این حادثه متواری گردیدند قابل یاد آوری است که بعد از سقوط دولت نجیب این اولین باری دست که چنین جمعیت بزرگ شهریان کابل بخاطر گرانی و قلت مواد خوراکی و محروقاتی علیه دولت است به مظاهره زده و به راه پیمایی پرداخته اند. دوشنبه هفته گذشته نیز تظاهرات مشابهی در رابطه با مسایل فوق در منطقه وزیر اکبر خان صورت گرفت که در آن نیز بیشتر از هزاران نفر همشهریان مظلوم و بی دفاع کابل اشتراک ورزیده بودند.

عرض تسلیت

انا لله و انا الیه راجعون
با تأسف و اندوه فراوان خبر وفات والده مغفوره برادر مان الحاج عباس دلجو مسؤل دفتر نماینده گی حزب وحدت در پشاور را دریافت نمودیم. فرد ما خوشتر را در این مصیبت وارده با محترم دلجو شریک احساس نموده از خداوند بزرگ و رحمان برای برادر مان الحاج دلجو وقامیل محترم شان صبر جمیل و برای آن مرحومه رحمت بی پایان الهی را خواهانیم. اعضا و منسوبین دفتر نماینده گی پشاور حزب وحدت اسلامی افغانستان

خود کامگی مطلق، عامل ...

مخالفین دولت گذاشته و هرچه کاسه و کوزه است در تابعیت از روش همیشگی تبلیغاتی دولت، بر فرق مخالفین این دولت نام نهاد بشکنیم، با خوانش این خبر در مطبوعات پاکستان که؛ در چنین شرایط بحرانی اقتصادی حاکم بر پایتخت، ملیشای سرحدی پاکستان بیشتر از سه صد میلیون افغانی بانکنوت چاپ شده را از نزد عوامل دولت که بخاطر تبدیل نمودن آن به دالر وارد پاکستان میگردند، در مرز تورخم دستگیر و ضبط نموده است، شاید دولتمردان کابل نیز این حق را بما بدهند که بنویسیم: حاکمیت های ضد مردمی در بحرانی ترین حالت مرگ و زندگی اتباع خویش نیز جز به جیب های آماسیده خویش به هیچ چیز دیگری نه ایمان دارند و نه می اندیشند. (صفحه نو)